

سیر تحولات قانون‌گذاری در اسلام

عباس باقری*

تاریخ دریافت ۸۶/۳/۷ | تاریخ پذیرش ۸۶/۷/۲

دانستن تاریخ تحولات اندیشه قانون‌گذاری و نوشتن کتب فقهی به‌وسیله فقها در تاریخ اسلام، پرسشی است که ما در این مقاله سعی در بیان آن داریم. باوجود آنکه قانون‌گذاری مصطلح امروزی در میان علمای اهل سنت و شیعه برگرفته از اندیشه‌های فقهی پیشین است؛ اما درباره تدوین و سیر تاریخی تحولات قانون‌گذاری فقهی، کار قابل توجهی انجام نشده؛ ازاین‌رو پس از بیان مفاهیم قانون، قانون‌گذاری، فقه و شریعت به بررسی ادوار قانون‌گذاری از دیدگاه فقها پرداخته و برای مثال به برخی از اندیشه‌های قانون‌گذاری از منظر آنان اشاره می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: قانون؛ فقه؛ قانون‌گذاری فقهی؛ شریعت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* مدرس دانشگاه.

E-mail: bagheri8888@yahoo.com

مقدمه

بی تردید دانستن تاریخچه تحولات قانون گذاری از اهمیت زیادی برخوردار است. این اهمیت به دلایل پاسخ گویی به سؤالات ذیل است: فقه و قوانین اسلامی تا این تاریخ چه سرگذشتی داشته است؟ در جامعه اسلامی چه کسانی دغدغه قانون و قانون گذاری داشته اند؟ آیا شرایط زمانی و مکانی اجازه اجرای آن قوانین را به آنان داده است؟ پیامبر اسلام (ص)، امامان (ع) و سپس فقها از چه منابعی برای قانون گذاری استفاده می کرده اند؟ به بیان دیگر منابع قانون گذاری در حکومت اسلامی چیست؟ شناخت احکام اولیه و ثانویه و مباحثی مانند فرامین و قوانین حکومتی در عهد رسول خدا (ص) و امامان (ع) و در عصر غیبت چگونه بوده است؟

البته تحقیق درباره هر یک از این مسائل تلاش فراوان و بحث مفصلی می طلبد که باید در جای خود به آن پرداخت.

در این تحقیق پس از بیان مفهوم واژه های قانون، فقه و شریعت، از پیشینه قانون گذاری قبل از اسلام به طور مختصر بحث کرده و در ادامه به نظام حقوقی اسلام می پردازیم. از آنجایی که نظام قانون گذاری به ادوار مختلفی تقسیم می شود؛ از این رو اصول آن ادوار را به دو دوره تشریح و تفریع تقسیم می کنیم. در دوره تشریح، قرآن کریم مصدر قانون گذاری بود؛ اما از سنت پیامبر (ص) نیز برای این عنوان استفاده می شد.

فقه و قانون گذاری، به معنای استنباط احکام شرعی به صورت وسیع از زمانی شروع شد که دسترسی به پیامبر اسلام (ص) و مفسران بی واسطه آن امکان نداشت.

عصر تفریع به ۹ دوره تقسیم می شود — که به دلیل اختصار — ما آن را در ۴ دوره خلاصه کرده ایم. عصر تفسیر و تبیین، عصر محدثان، اندیشه قانون گذاری فقهی از شیخ مفید تا نائینی و از آنجایی که علامه نائینی و امام خمینی (ره)، درباره قانون و قانون گذاری در اسلام، مباحث و نظریات بسیار مهمی ارائه کرده اند؛ به دیدگاه آن دو بزرگوار نیز جداگانه پرداخته ایم.

در پایان با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آخرین نظریه قانون گذاری اسلامی است؛ مراحل تدوین و تصویب آن را به اجمال بررسی می کنیم.

۱ کلیات و مفاهیم

۱-۱ مفهوم قانون در لغت و در اصطلاح فقهی

با توجه به مفهوم نظری قانون، تفاسیر و معانی متعددی درباره آن ذکر شده که به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

عده ای معتقدند واژه «قانون» در اصل عربی بوده و وجود تشابه میان این واژه و واژه لاتین «Kanon» یا «Canon» دلیل غیرعربی بودن آن نیست.

گروهی از ادبا و حقوق دانان، این واژه را عربی ندانسته و صاحب لسان العرب در تعریف قانون می نویسد:

«قانون هر چیز، راه و طریق سنجش آن است ... و این کلمه عربی نیست»^۱.

جعفری لنگرودی می گوید:

این واژه در اصل عربی نیست، در لغت عرب به معنای اندازه و مقیاس اشیاست و به معنای قضیه کل که یک رشته جزئیات را بیان می کند.^۲

بعضی از ادبای فارسی علاوه بر اینکه در غیرعربی بودن این واژه تردید ندارند؛ آن را برگرفته از زبان رومی، یا فارسی به معنای «کانون» دانسته اند.^۳

در فرهنگ معین، «قانون»، چنین معنا شده است:

۱. رسم، قاعده، روش و آیین.

۲. امری است کلی که اگر بر همه جزئیاتش منطبق شود، احکام و جزئیات در آن

شناخته می شود.

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷، ص ۵۱۷.

۳. فرهنگ نفیسی، جلد ۴، ذیل «قانون».

۳. قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار آن را وضع و ابلاغ می‌کنند.

با توجه به اینکه برخی از فقها و حقوق‌دانان، قانون را همان فقه می‌دانند؛ از این رو از باب مثال فقط به دو نظریه اکتفا می‌شود. اگرچه این واژه در میان فقها چندان استفاده نمی‌شود؛ اما فقهای متقدم، فقه یا همان قانون را به چندین صورت تعریف کرده‌اند؛ از جمله علامه حلی می‌نویسد:

«خداوند سبحان این قانون را در کتاب قرآن مجید - که بر حبیبش حضرت محمد (ص) نازل کرده - بیان فرموده است و فقه دربردارنده این قانون ربانی است که در کتاب و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ایشان موجود است».^۱

در ترمینولوژی حقوق هم آمده است:

«در فقه به چیزی قانون یا (قانون شرع) گفته می‌شود که دارای خصوصیات زیر باشد: الف) کلی باشد، خواه الزامی باشد مانند (اوامر و نواهی) و خواه مانند (مستحبات و مکروهات)،

ب) از طریق وحی رسیده باشد خواه به صورت قرآن و خواه به صورت احادیث، ج) جنبه دوام داشته باشد، ولو اینکه به عنوان اضطرار، موقتاً در بعضی از اماکن، یا اعصار، بدل پیدا کند».^۲

اما آنچه از معنای حقوقی قانون درمی‌یابیم؛ عبارت است از: قواعد لازم‌الاجرا و دارای ضمانت اجرایی مشخص در جامعه. به بیان دیگر قانون به معنای عام کلمه، مجموع قواعد الزام‌آور و مصوب مقامات صلاحیت‌دار است و شامل تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و ... می‌شود و در معنای خاص کلمه، مفهوم فنی و مخصوص به خود دارد و در رژیم‌های مبتنی بر قانون اساسی به معنای مصوبات پارلمان است.^۳

۱. «والله سبحانه یبّین هذا القانون فی کتابه المجید المنزل علی حبیبه محمد (ص) ... والذی یتکفل بیان هذا القانون الربانی

الموجود فی کتاب و سنه النبی و اهل بیته علیهم اسلام، لیس هو الا الفقه»، *ارشاد الاذهان*، ج ۱، مقدمه کتاب.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، همان، ص ۵۱۸.

۳. رضا علومی، *کلیات حقوق*، تهران، میهن، ۱۳۴۸، ص ۱۳.

به هر حال مفهوم قانون از مفاهیم مختلفی است که به ویژه از نظر اندیشمندان غربی برای آن تفاسیر و معانی بسیاری بیان شده که به اجمال به آنها اشاره می شود.^۱ برخی از دانشمندان، قانون را فرمان متکی به مجازات^۲ و عده ای آن را قاعده اجتماعی-تاریخی،^۳ قاعده اخلاقی،^۴ قاعده اجتماعی-اخلاقی می دانند.^۵ نویسندگان دینی قانون را معادل فرمان الهی بیان کرده اند.^۶ عده ای دیگر از فلاسفه و اندیشمندان معتقدند که قانون همان قانون عقلی است^۷ و مدعی ما در این پژوهش اینکه قانون به معنای فرمان الهی است.

۲-۱ واژه قانون گذار در حقوق و فقه

مفهوم قانون گذار در اصطلاح حقوقی و فقهی عبارت است از: مقامی که به مناسبت قدرت مخصوصی که دارد؛ قانون وضع می کند و آن را کم و بیش به معرض اجرا می گذارد و از قدرت مزبور، ضمانت اجرایی قانون را فراهم می سازد. مقنن هم به این معنا استعمال می شود، در فقه به این معنا لغت شارح و مشرع استعمال می شود.^۸

۳-۱ شریعت

کلمه شریعت و مشتقات آن مانند شارح، متشکل از واژه هایی است که در متون فقهی و

۱. محمد راسخ، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون گذاری، مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۴، ص ۱۱ تا ۲۴.
۲. تعریف توماس هابز، جان آستین، هانس کلسن و دکتر گرجی در این گروه از نظریات قرار دارند.
۳. مونتسکیو، ژان ژاک روسو، ساوینی و ... بر این عقیده هستند.
۴. ارسطو، فینیس و فریدون آدمیت از این دسته هستند. ارسطو بر این اعتقاد بود که قانون به عنوان ابزار سیاست، در حقیقت تجلی اخلاق است.
۵. جان رولز، دورکین و ناصر کاتوزیان.
۶. شیخ فضل ... نوری، علامه نائینی، امام خمینی (ره)، علامه طباطبائی، جوادی آملی، مصباح یزدی و ...
۷. افلاطون، آکویناس، جان استوارت میل، هابرماس و ...
۸. محمد جعفر جعفری لنگرودی، همان، شماره ۴۱۵۴.

حقوقی بسیار استعمال می‌شود. کاربرد فراوان این واژه موجب پیدایش این پرسش شده که آیا فقه اسلامی به معنای شریعت است یا خیر؟

در مجمع‌البحرین آمده است:

شرع و شریعت مانند شرعه هستند و عبارت است از جایی که برای آشامیدن مردم قرار داده شده و به این جهت، به دین شریعت می‌گویند؛ چون (دین هم مثل مکان آشامیدن آب) روشن و واضح است.^۱

از نظر حقوق‌دانان معاصر، شریعت فقط به بخش عملی دین اطلاق می‌شود. همان‌طور که محقق حلی نیز کتاب فقهی خود را *شرایع الاسلام* نامیده است.

۴-۱ مفهوم فقه

فقه در لغت به معنای دانستن یا فهمیدن بوده؛ اما با توجه به معنای این واژه معنای آن از مطلق دانستن فراتر است. منظور از فقه، علم و دانستنی است که با دقت نظر و استنباط همراه باشد. محمدی در تعریف فقه می‌گوید:

«فقه در لغت یعنی فهم و در اصطلاح یعنی دانستن احکام شرع درباره موضوعات اشیا و کارهای مردم».^۲

امروزه فقه بیشتر به دو معنا به کار می‌رود: یکی به معنای علم به مجموعه احکام عملی دین و دیگری به معنای علم فقه.

یکی از حقوق‌دانان معاصر می‌گوید:

«فقه را تعریف کرده‌اند به علم، به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آنها. این تعریف اگرچه از لحاظ ظهور بدوی شامل مسائل حقوقی نمی‌شود و فقط احکام تکلیفی عبادی و غیرعبادی و احکام وضعی شرعی را شامل می‌شود، لکن از این جهت که احکام شرعی فقط

۱. فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، مرتضوی، ۱۳۸۶ (ق)، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲. ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۷.

به احکام تأسیسی اختصاص ندارد، بلکه هم احکام تأسیسی، امضایی، تکلیفی و وضعی را شامل می شود. بنابراین کلیه وظایف عقلایی را شامل می شود اعم از مدنی و کیفری ... در این صورت نسبت میان فقه و حقوق عموم و خصوص مطلق است نه من وجه، چرا که فقه همه مباحث حقوقی را شامل می شود، اما حقوق، بسیاری از مباحث فقهی را دربر نمی گیرد.^۱

شهید صدر، ابواب فقهی را به چهار بخش تقسیم کرده است:

الف) عبادات،

ب) اموال،

ج) آداب و رفتار - که خود بر دو قسم خانواده و آداب اجتماعی تقسیم می شود،

د) احکام و مسائل حکومت و مباحث عمومی (مثل ولایت، کشورداری و ...).^۲

برخی از حقوق دانان عقیده دارند توانایی بالقوه فقه از آنچه در حال حاضر بحث می شود بیشتر است:

«... بنابراین (فقه) کلیه وظایف عقلایی را شامل می شود اعم از مدنی و کیفری عمومی و خصوصی، تجارت و ثبت، بیمه، فضا، دریا و بین الملل عمومی و خصوصی و غیر اینها جزء فقه است، به تعبیر دیگر، فقه فقط مندرجات کتب فقهی نیست. بنابراین ۴۳ جلد کتاب جواهر باید به ۱۰۰ جلد و بیشتر بالغ شود».^۳

۲ سیری اجمالی در قانون گذاری قبل از اسلام

علامه طباطبائی (ره) در بحث داستان حضرت نوح (ع) می نویسد:

پس از حضرت آدم (ع) مردم به صورت یک امت ساده زندگی می کردند و در حالت فطری خویش بودند؛ اما کم کم روح تکبر در آنها زنده شد و تعدادی از آنان بر دیگران برتری

۱. ابوالقاسم گرگی، «اوضاع کنونی و راهبردها»، مجله دانشگاه انقلاب، شماره ۱۰۵، ص ۲۳.

۲. محمدباقر صدر، الفتاوی الواضحه، نجف، مطبعة الاداب، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۳۲.

۳. ابوالقاسم گرگی، همان، ص ۲۳.

یافتند و آنان را در خدمت خود درآوردند و این عمل تا زمان حضرت نوح (ع) ادامه پیدا کرد. نوح نخستین پیامبری است که باب قانون‌گذاری و تشریح را گشود و شاید علت اصلی آن وجود فاصله طبقاتی زیاد و پایمال کردن حقوق ضعیفان به وسیله ثروتمندان بوده است.^۱ پس از نوح، قوانین حمورابی، نظام حقوقی تورات، حقوق تلمود، حقوق روم، حقوق ایران باستان، حقوق کلیسا (مسیحیت) و نظام حقوقی اسلام به وجود آمدند.

در اینکه قوانین حمورابی از ادیان الهی متأثر است یا خیر، نظریات مختلفی وجود دارد. برخی آن را از آیین حضرت ابراهیم متأثر می‌دانند؛ چرا که حمورابی از بابل بوده و قوانین او تا ۱۵ قرن پس از وفات وی در جوامع آن روز، حاکمیت داشته است.

از سوی دیگر آنچه مسلم است بابلی‌ها از نژاد سامی بوده‌اند و از نظر تاریخ ادیان، سامی‌ها از سام، پسر نوح نسب می‌برند. بنابراین بعید نیست که این مجموعه، از قوانین الهی حضرت نوح - که در میان فرزندان او رسمیت داشته است - نیز متأثر شده باشد.^۲

پس از نظام حقوقی حمورابی، نظام حقوقی تورات به وجود آمد و هزار سال پس از نظام حقوقی تورات، نظام حقوقی تلمود - که براساس برداشت‌های دانشمندان یهودی از کتاب تورات تدوین شده است. حقوق تلمود به مدت ۱۴۰۰ سال، اساس تعلیم و تربیت یهود بود.^۳ سپس نظام حقوق روم به وجود آمد که اولین متن حقوقی روم در سال ۴۵۴ قبل از میلاد تدوین شد و سرانجام براساس نوشته‌های ویل دورانت، تدوین نهایی حقوق روم در قرن دوم و سوم میلادی انجام گرفت.^۴

حقوق مسیحیت تا حدود زیادی پیرو شریعت حضرت موسی بود و دانشمندان مسیحی درباره احکام و حقوق، از کتاب مقدس و حقوق روم برداشت‌های مستقلی داشتند، این برداشت‌ها پس از چند قرن به صورت اولین مجموعه حقوقی کلیسا در سال ۱۱۵۰

۱. محمدحسین طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۳۹۱.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *درآمدی بر حقوق اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۶۸، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۵.

۴. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، اقبال، ج ۸، ص ۲۹۸.

می‌لادی به دست «گراسیانوس»، استاد حقوق کلیسا تکمیل و به مجموعه حقوق کلیسایی معروف شد. البته پس از آن، سه مجموعه دیگر به مجموعه گراسیانوس افزوده شد که این مجموعه پایه و بنیاد حقوق کلیسا است ...^۱

بسیاری از دانشمندان معتقدند که ایران باستان نیز مانند روم، دارای حقوق به نسبت پیشرفته و گسترده‌ای بود و در جامعه ایران قبل از اسلام، ادیان متعددی از جمله زرتشتی، صابئی، مزدکی، مانوی، بودایی، مسیحی و ... رواج داشت و دین رسمی ایران در دوران ساسانیان، زرتشتی بود و شاهان ایرانی به آن اعتقاد داشتند؛ اما این نظام حقوقی با وجود سابقه‌ای طولانی نتوانست اعتبار خود را در برابر حقوق الهی اسلام حفظ کند و دین اسلام با ورود به ایران، با استقبال فوق‌العاده ایرانیان مواجه شد.^۲

۳ نظام حقوقی اسلام

آخرین نظام حقوقی الهی که نظام حقوقی جهان را تحت الشعاع قرار داد و ملل مختلف از آن استقبال کردند؛ نظام حقوقی اسلام است. در اینجا به برخی از امتیازات این نظام نسبت به نظام‌های حقوقی دیگر به اجمال اشاره می‌شود:

۱. مخالفت با تبعیض نژادی و نظام طبقاتی و طرفدار آزادی، تساوی و عدالت،
۲. دخالت عنصر روابط اجتماعی و حقوقی،
۳. توجه به بعد مادی و معنوی،
۴. استقلال حقوق اسلام در برابر سایر نظام‌های حقوقی،^۳
۵. قوانین اسلامی ناشی از وحی و پرتوی از وحی الهی است،
۶. قوانین اسلامی آسان و بدون عسر و حرج است،
۷. در شریعت اسلام، همه احکام بر اساس مصالح خلق تشریح شده است،

۱. صالح علی پاشا، سرگذشت قانون، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۱۴.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ص ۵۱-۵۰.

۳. همان، ص ۶۸.

۸. شریعت اسلام، انسان را عنصر خیر می‌شناسد و اعمال او را حمل بر صحت می‌کند،^۱
۹. انعطاف لازم در پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر و جدید و نیز امتیازات بسیار دیگری
از این قبیل.

به‌علاوه قوانین اسلامی، معاملات امور عرفی گذشته را امضا و تأیید و مآخذی مانند
قرآن، سنت، عقل و ... را به‌عنوان منابع قانون‌گذاری معرفی کرده است.

۴ ادوار قانون‌گذاری در اسلام

قانون‌گذاری اسلامی در میان فقهای اهل تسنن و تشیع به ادوار مختلفی تقسیم شده است.
در ابتدا ما به تقسیم‌بندی قانون‌گذاری اسلامی در میان فقهای اهل تسنن می‌پردازیم.
درحقیقت تاریخ قانون‌گذاری اسلامی مصادف است با مهاجرت پیامبر اسلام (ص) از
مکه به مدینه. زمانی که ایشان برای برپایی حکومت اسلامی ناگزیر به وضع قوانین بودند و
قوانینی را در مدینه وضع کردند. اما قانون‌گذاری به معنای مصطلح امروزی به کشورهای
اسلامی اهل تسنن و ایران با وضع قانون مدنی - که درحقیقت از متون فقهی اهل تسنن و
تشیع گرفته شده است - برمی‌گردد. در ادامه به قانون‌گذاری فقهی در دولت عثمانی و
ایران خواهیم پرداخت.

۴-۱ ادوار قانون‌گذاری در فقه اهل تسنن

نویسندگان اهل تسنن در بررسی تاریخ قانون‌گذاری اسلامی، به معیارهای مختلفی توجه
کرده‌اند. در کتاب «تاریخ القانون و الفقه الاسلامی» این تاریخ به چهار دوره تقسیم شده است:

دوره اول - دوران تأسیس یا بسترسازی علوم انسانی
این دوره شامل حیات رسول خدا تا سال ۱۱ قمری است.

۱. صدرالدین بلاغی، عدالت و قضا در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۳ تا ۱۴.

دوره دوم - دوران رشد و کمال

این دوره شامل عصر اجتهاد پس از وفات رسول خدا (ص) تا نیمه قرن چهارم است.

دوره سوم - دوران جمود تقلید

این دوره دو مرحله‌ای است: مرحله اول به سقوط بغداد به وسیله مغول در سال ۶۵۶ قمری منتهی می‌شود و مرحله دوم به انسداد باب اجتهاد در فقه. این دوره تا ظهور «مجله الاحکام العدلیه» در سال ۱۲۸۶ قمری ادامه یافت.

دوره چهارم - دوران برخاستن حرکت فقهی

این دوره از زمان ظهور «مجله الاحکام العدلیه» آغاز شد و تاکنون ادامه دارد.^۱ دکتر محمصانی، قانون گذاری اسلامی را در میان اهل تسنن از نظر سهولت به پنج دوره تقسیم کرده است: عصر پیامبر (ص)، عصر خلفای راشدین و امویان، عصر عباسی، عصر انحطاط و تقلید و عصر نهضت.^۲

دکتر گرجی قانون گذاری اسلامی را در میان اهل تسنن به شش دوره تقسیم کرده است:^۳

دوره اول- عصر صحابه (کبار و صغار)،

دوره دوم- عصر تابعین از سال ۴۱ هجری تا ظهور پیشوایان مذاهب فقهی،

دوره سوم- عصر پیشوایان مذاهب (از اوایل قرن دوم تا نیمه قرن چهارم) این دوره درخشان‌ترین دوره اهل سنت است و سنت و فقه در این زمان تدوین می‌شود،

دوره چهارم- عصر توقف اجتهاد و گزینش مذهب (از نیمه اول قرن چهارم تا سقوط

۱. علی محمد جعفر، تاریخ القانون و الفقه الاسلامی، بیروت، المؤسسة الجامية للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۷۱-۲۱۴.

۲. صبحی محمصانی، فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸، ص ۲۵، همچنین تاریخ التشريع الاسلامی خضری، مصر، ۱۹۲۶ و نظریه عامه فی تاریخ الفقه الاسلامی، دکتر علی حسن عبدالقادر، قاهره، ۱۹۴۲.

۳. ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۱۰-۱۱.

خلافت عباسیان)،

دوره پنجم- عصر تقلید محض و ضعف اجتهاد (از سقوط بغداد به دست هولاکو تا عصر حاضر) در این دوره اجتهاد به نهایت ضعف خود رسیده و ارتباط علمی دانشمندان با یکدیگر قطع و رکود چشمگیری در مجامع علمی نمایان می‌شود، دوره ششم- عصر حاضر (پس از جنگ جهانی دوم تا کنون) در این دوره به علت پیدایش مسائل جدیدی از جمله بیمه، تساوی حقوق، مسائل بانکی و... - که در میان دانشمندان قوت گرفت - بار دیگر باب اجتهاد گشوده شد.

۲-۴ ادوار قانون‌گذاری در فقه اهل تشیع

دوره‌های اصلی تاریخی فقه (احکام و تکالیف) از نظر اندیشمندان شیعه شامل دو دوره می‌شود:

دوره اول- دوره تشریح یا (صدور احکام)،

دوره دوم- دوره تفریح یا (استخراج و استنباط احکام).

قانون‌گذاری در اصل از آن خداوند متعال بوده که قوانین الهی در دوره تشریح بر پیامبر اسلام (ص) صادر شده است.

دکتر شهابی می‌گوید:

در آغاز به تدریج حکمی پس از حکمی دیگر صادر شده و از آن پس اصول احکام صادره تا حدی جمع شد، سپس نوبت به استنباط و تفقه احکام و تکالیف یعنی تفریح بر آن اصول کلی اولی رسیده است.^۱

البته این تقسیم‌بندی اولیه برای ادوار قانون‌گذاری اسلامی است و تقسیمات دیگری برای هر یک از این دوره‌ها انجام می‌گیرد که در حقیقت تقسیم‌بندی ثانویه بوده و به دوره صدور و استنباط احکام مربوط است.

در این قسمت پس از بیان عصر تشریح (عصر پیامبر (ص)) به بیان عصر تفسیر و تبیین

۱. محمود شهابی، ادوار فقه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴.

(عصر ائمه (ع)) و سپس به عصر محدثان و بعد از آن به عصر آغاز اجتهاد از شیخ مفید تا علامه نائینی و در پایان به نظریات امام خمینی (ره) خواهیم پرداخت.

دکتر گرجی در ادوار قانون گذاری اسلامی تقسیم بندی جالبی انجام داده است؛ وی می گوید:
احکام در شریعت مقدسه اسلام مانند دیگر قوانین، دارای دو مرحله است:^۱

۱. جعل، ۲. اجرا.

۱. مرحله جعل و تشریح احکام دارای چهار مرتبه است:

مرتبه اول- مرتبه نفس جعل و تشریح. این مرتبه طبق آیات شریفه قرآن اولاً و بالذات مختص خداست.

مرتبه دوم- مرتبه تبلیغ یا تبشیر و انذار. این مرتبه به پیامبر گرامی اسلام (ص) اختصاص دارد.

مرتبه سوم- مرتبه حفظ، نشر و تبیین احکام کتاب و سنت. این مرتبه از وظایف امامان (ع) است. در این باره روایات بسیاری وارد شده که فرموده اند: امامان، حجج خداوند، گواهان او بر خلق، راهنمایان مردم، خلفای خداوند در زمین، مبین معالم دین و ... هستند.

مرتبه چهارم- استنباط و افتا. این مرتبه وظیفه فقیهان عادل و جامع شرایط است و این وظایف با سایر وظایفی که بر عهده پیامبر (ص)، امامان (ع) و فقیهان نهاده شده؛ هیچ گونه منافاتی ندارد.

اکنون پس از ذکر تقسیم بندی ادوار قانون گذاری اسلامی به اصل بحث می پردازیم:

دوره اول- دوره تشریح

عصر تشریح، دوره نبوت پیامبر اسلام (ص) است که قوانین اسلام را در طول ۲۳ سال یعنی از آغاز بعثت تا زمان رحلت آن حضرت شامل می شود. این دوره به دو قسمت تقسیم می شود:
الف) از بعثت تا هجرت،

۱. ابوالقاسم گرجی، مقالات حقوقی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۸۱.

(ب) از هجرت تا رحلت.

احکام و قوانین عملی اسلام که در دوران رسالت به وسیله پیامبر اکرم (ص) ابلاغ شده یا در قرآن و احادیث منقول از آن حضرت (چه به بیان، چه به عمل یا به امضای عمل صادره از دیگران) آمده و این قول مورد اتفاق فقهای اهل سنت و شیعه است. البته منابع دیگری مانند عقل و اجماع نزد امامیه و اجماع، قیاس و استحسان و ... نزد اهل سنت بر این دو منبع افزوده شد.^۱ از آنجا که موضوع بحث ما در این قسمت سیر تاریخی قانون گذاری در عصر پیامبر (ص) است؛ ابتدا به بحث مختصری درباره کتاب خدا - قرآن - و سپس به بررسی سنت می پردازیم.

• کتاب

منظور از کتاب در اصطلاح فقها و علمای اصول، قرآن کریم است. در قرآن حدود ۵۰۰ آیه به احکام عملی یا همان مباحث قانون گذاری مربوط است که در دوران رسالت پیامبر (ص) بر ایشان نازل شد.

گفتنی است درباره آیات قرآن از آن حضرت سؤالاتی می شد و ایشان نیز بیاناتی که بعضی جنبه تفسیر و توضیح داشت و برخی دیگر شامل تفصیل و تشریح قوانین قرآن بود، ایراد می فرمودند.

تقسیم بندی انواع قوانین در قرآن کریم

در اصل هدف قرآن، بیان سه دسته از امور است:

۱. اصول،

۲. فروع (احکام و قوانین)،

۳. اخلاق.

احکام و قوانین اسلامی نیز در قرآن به ۷ دسته تقسیم می شود:

۱. احکامی که درباره روابط میان خلق و خالق نازل شده و بر دو قسم است:

۱. کاظم مدیرشانه چی، آیات/احکام، تهران، سمت، ۱۳۷۸، ص ۲.

- الف) احکامی که به انشا نیاز دارد؛ از جمله نذر، عهد و قسم،
- ب) احکامی که به انشا نیاز ندارد که این خود بر چند قسم است؛ از جمله عبادات محض، مانند نماز و روزه؛ عبادات مالی که جنبه اجتماعی دارد؛ مانند خمس و زکات؛ عبادات بدنی که جنبه سیاسی و اجتماعی دارد؛ مانند حج؛ عبادات تربیتی که جنبه اجتماعی دارد؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر و عبادات بدنی که جنبه ایشار دارد و هدف از آن حفظ بقا، توسعه و دفاع از اسلام است؛ مانند جهاد و دفاع.
۲. احکام و قوانینی که به وظایف تأسیس و تنظیم خانواده (احوال شخصیه) مربوط است؛ مانند نکاح، طلاق، ارث و وصیت.
۳. احکامی که به معاملات و روابط میان افراد بشر مربوط بوده و به انشا نیاز دارد. این احکام خود بر دو قسم است:
- عقود که به دو انشا نیاز دارد؛ مانند بیع و اجاره.
 - ایقاعات که به یک انشا نیاز دارد؛ مانند طلاق.
۴. احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و مقدمات آنها، مانند اطعمه، اشربه، شکار و ذبح.
۵. احکام قضا و شهادت.
۶. احکام حکومت و ولایت امر.
۷. احکام مربوط به تنبیهات و عقوبات مالی و بدنی، مانند حدود، قصاص و دیات.^۱

● سنت

سنت در لغت به معنای طریقه و سیره جدید و در شرع به آنچه امر یا نهی یا مستحب شمرده شده اطلاق می‌شود و مراد از آن همان حدیث (قول، فعل و تقریر پیامبر (ص)) است.^۲

همان‌گونه که بیان شد، در عصر تشریح، علاوه بر منبع اساسی کتاب، در امر قانون‌گذاری از «سنت پیامبر (ص)» نیز استفاده می‌شود. به طوری که قرآن و سنت، به وضع

۱. ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقهها، ص ۱۹-۲۰.

۲. کاظم مدیرشانه‌چی، تاریخ حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۸.

پایه‌های دین و شریعت اسلام و مبادی ایمان، عبادات و قواعد اسلامی، به بیان نظام خانواده، معاملات، قوانین کیفری و مدنی و ... پرداختند.

پیامبر گرامی اسلام، پس از ورود به مدینه، حکومت اسلامی را تشکیل دادند و میان اوس و خزرج و مسلمانان و یهودیان قرارداد صلح و میان مهاجران و انصار قرارداد برادری و سپس مراحل سازمان اداری حکومت اسلامی، تبیین مدیریت حکومتی، وظایف حکومت اسلامی و سازماندهی حکومت اسلامی و از جمله سازمان اداری، قضایی، فنی، مالی، خارجی، نظامی، تبلیغات، امنیتی و به‌طور خلاصه اصول و چارچوب قانون‌گذاری مسائل حکومتی و ... را برقرار کردند.^۱

دوره دوم- دوره تفریع

برای بیان مراحل و ادوار قانون‌گذاری اسلامی، به‌صورت مصطلح امروزی، باید به ذکر پیشینه آن در اندیشه فقها پرداخت. اگرچه فقها در ادوار گذشته به وضع و اجرای اندیشه‌های خود (به دلیل عدم تشکیل حکومت و ...) موفق نشدند؛ اما آنچه مسلم است بسیاری از این اندیشه‌های فقهی در کتاب *مجله الاحکام العدلیه* یا *در قانون مدنی ایران*، به‌صورت قانون درآمد و فقها در مرحله نظریه‌پردازی همانند همه حقوق‌دانان، این کار را انجام داده‌اند.

در این باره جعفری لنگرودی می‌گوید: «... هر سیستم حقوقی، مرکب از دو بخش است: قوانین و نظرات حقوق‌دانان. حقوق اسلامی هم مرکب از این دو بخش است».^۲

دوره تفریع خود به ادوار گوناگونی تقسیم می‌شود:

دوره اول- عصر تفسیر و تبیین (از رحلت پیامبر (ص) تا پایان غیبت کبری ۳۲۹ هجری).

دوره دوم- عصر محدثان (اواسط نیمه اول قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم هجری).

دوره سوم- عصر آغاز اجتهاد (عصر شیخ مفید از ۳۳۶ تا ۴۱۳ هجری).

۱. سید یونس ادیانی، «گزارش سیمای حکومت نبوی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن ۱۳۸۵.

۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی، *مکتب‌های حقوقی در اسلام*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، ص ۳.

دوره چهارم- عصر کمال اجتهاد (عصر شیخ طوسی از ۴۳۶ تا ۴۶۰ هجری).
دوره پنجم- عصر تقلید (حدود یک قرن پس از عصر شیخ طوسی از ۴۶۰ تا ۵۹۸ هجری).
دوره ششم- عصر نهضت مجدد مجتهدان (از ابن ادریس حلی (۵۹۸ هجری) تا قرن یازدهم (نهضت اخباریان)).

دوره هفتم- عصر پیدایش مذهب اخباریان. اخباریان عقیده داشتند منبع استنباط فقه شیعه، فقط کتاب و سنت است و در برابر اصولیون در استناد به قواعد اصولی به شدت مخالفت می کردند.

دوره هشتم- عصر جدید استنباط (از ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۱ هجری).

دوره نهم- عصر حاضر^۱ (از شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ هجری) تا هم اکنون).

از آنجا که پرداختن به همه این ادوار در این تحقیق نمی گنجد؛ از این رو با توجه به اصل ترتیب منطقی و گستردگی امر قانون گذاری به صورت گزینش، افراد و دولت‌هایی که در امر قانون گذاری فقهی مؤثر بودند به اختصار بیان می شوند.

الف) عصر تفسیر و تبیین

این دوره از رحلت پیامبر (ص) آغاز شده و تا پایان غیبت کبری (۳۲۹ ه.ق) ادامه دارد. در این عصر به دلیل اینکه شیعیان اقوال، افعال و تقریرات امامان (ع) را مانند قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) می دانستند؛ از امامان پیروی کرده و به دلیل حضور امامان به اجتهاد نیازی نبود، البته کسانی که به علت دوری یا مسائل دیگر به آن بزرگواران دسترسی نداشتند؛ به صورت ساده در مسائل اجتهاد می کردند. برای مثال به خبر موثق یا به ظواهر قرآن یا به حدیث نبوی یا به روایات امامان و در موارد فقدان نص یا اجمال یا تعارض نصوص، به آنچه عقل آنان حکم می کرد؛ عمل می کردند.^۲

ب) عصر محدثان

۱. ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقها، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

این دوره از حدود غیبت کبری یعنی از اواسط نیمه اول قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم را دربرمی گیرد. کتب حدیث تألیف شده در این دوره، اصول منابع فقه شیعه امامیه را تشکیل می دهند. فقهای معروف این دوره عبارتند از: علی بن ابراهیم قمی (صاحب چندین اثر در فقه و غیره)، محمدبن یعقوب بن اسحق کلینی (۳۲۹ هجری) (صاحب کتاب شریف کافی)، محمدبن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه و صدوق (رئیس محدثان شیعه و یکی از بزرگترین ارکان شریعت که شاگردان بسیاری را تربیت کرد و کتاب من لا یحضره الفقیه، یکی از کتب اربعه شیعه را نوشت). برخی از مترجمان، آثار او را بیش از ۳۰۰ اثر نوشته اند. وی در سال ۳۸۱ (قمری) در ری وفات یافت.^۱

ج) اندیشه قانون گذاری فقهی از شیخ مفید تا امام خمینی (ره)

این دوره از حدود غیبت کبری به وسیله ابن عقیل عمانی (۳۲۹ قمری) و ابن جنید (۳۸۱ قمری) آغاز شد و در زمان شیخ مفید (۴۱۳ قمری) و شاگردش سیدمرتضی (۴۳۶ قمری) به اوج خود رسید. در آغاز عصر اجتهاد (قرن چهارم)، حکومت های شیعه در جهان اسلام سر برآوردند. سلسله آل بویه در بخش هایی از ایران قدرت یافت و در ادامه تا بغداد گسترده شد. از طرفی حمدانیان در موصل و شام، سلسله علویان در شمال ایران و اشراف حسنی در مدینه و مکه، حکومت را به دست گرفتند و فاطمیان در مصر به خلافت رسیدند. از این رو برای دانشمندان بزرگی مانند شیخ مفید، سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی فرصتی به وجود آمد تا با استفاده از این موقعیت، فقه اجتهادی را پایه گذاری کرده و حتی بعضی از آنان با پذیرش امارت از طرف حاکمان جور، به اجرای قوانین شرعی نیز موفق شدند.^۲

در این دوره برای اولین بار در فقه شیعه، اثر رأی و اجتهاد به خوبی احساس شد و قانون گذاری در فقه شیعه به صورت فنی در آمد و با به کار بردن استدلال، فروع بر اصول

۱. سیدحسین موسوی خراسانی، در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه ۲۱۹ اثر شیخ صدوق را نام برده است.

۲. یعقوبعلی برجی، ولایت فقیه در اندیشه فقیهان، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و سمت، ۱۳۸۵، ص ۳۳-۳۷.

منطبق و نخستین پایه‌های اجتهادی پایه‌گذاری شد که این امر تاکنون در مسیر تکامل فقه، تأثیر مهمی داشته است.

شیخ مفید علاوه بر تربیت شاگردان بسیار، آثار علمی ارزشمندی نیز به یادگار گذاشت؛ به طوری که تعداد تألیفات او را تا ۲۰۰ جلد ذکر کرده‌اند. البته در حال حاضر بسیاری از این آثار وجود ندارد. وی درباره فقه کتابی نوشت. کتاب *المقنعه* از قدیمی‌ترین کتب فقهی است. شیخ طوسی این کتاب را در ۱۰ جلد به نام *تهذیب الاحکام* (یکی از کتب اربعه) شرح داده است. شیخ مفید، عقل را یکی از راه‌های رسیدن به شناخت مفاهیم کتاب و سنت می‌دانست. از دیدگاه وی قانون‌گذاری در مسائل حقوقی، اجرای حدود، قصاص، تعزیرات، وصیت و ... از اختیارات فقیه در عصر غیبت است.

ایشان در کتاب *المقنعه* می‌نویسند:

«فقیهان حق دارند بین برادران خود به حق داوری کنند و بین کسانی که با یکدیگر اختلاف دارند ... صلح برقرار سازند و همه آنچه را که برای قاضیان در اسلام قرار داده شده را انجام دهند. چرا که ائمه (ع) این امر را در صورت امکان به فقیهان واگذار نموده‌اند»^۱

دیدگاه شیخ درباره اجرای حدود، قصاص و تعزیرات، حکومتی بوده و به نظر وی مسئول اجرای این موارد، حاکم اسلامی است که فقها را نیز در برمی‌گیرد. او به صورت قانون کلی می‌نویسد:

«هیچ کس جز امام و منصوبین او برای اجرای احکام در شهرها حق عهده‌داری اجرای آن را ندارند»^۲.

پس از شیخ مفید و سیدمرتضی، شیخ طوسی - که از برجسته‌ترین شاگردان آن دو بود - با اجتهاد خود، فقه و قانون‌گذاری شیعی را تکمیل کرد و به فقه شیعه استقلال بخشید. شیخ طوسی ده‌ها اثر گران‌قدر را تألیف و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. در

۱. شیخ مفید، *المقنعه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۲۱.

۲. همان، ص ۷۶۰.

عظمت او همین بس که دو کتاب از کتب چهارگانه شیعه به نام‌های *تهذیب و استبصار* از آثار اوست. این دو اثر از مهم‌ترین کتب معتبری است که از آن زمان تاکنون، نزد فقها مدار استنباط احکام و قوانین شرعی بود. همچنین کتاب *نهایه* در فقه و فتاوی، مبسوط در فقه استدلالی، *خلاف، عمده الاصول* و ... را می‌توان نام برد.

مرحوم آقابزرگ تهرانی، تعداد ۴۷ عنوان از تألیفات شیخ الطائفه را ذکر کرده است. این شخصیت عالی‌قدر در سال ۴۶۰ هجری وفات یافت.

پس از شیخ طوسی به مدت بیش از یک قرن، دانشمندان احکام اسلامی در این‌باره ابراز نظری نمی‌کردند، تا اینکه ابن ادریس مجدداً باب اجتهاد را گشود. کتاب *سرائر* او یکی از مهم‌ترین منابع فقهی شیعه است.

پس از ابن ادریس، دانشمندان دیگری از جمله محقق حلی، علامه حلی و فخرالمحققین همین رویه را دنبال کردند.

در این دوره کتب فقهی از نظم و ترتیب و تحقیقات فقهی از عمق و دامنه بیشتری برخوردار شدند و به احیای مجدد اجتهاد همت گماردند. ملاحظه کتبی مانند *شراعی، تحریر، ارشاد، قواعد، لمعه، شرح لمعه، مسالک، ذخیره، تذکره* و ... این واقعیت را آشکار می‌کند. پس از این دوران شخصیت‌های مهمی مانند فیض کاشانی، شیخ حر عاملی و مولی محمدباقر مجلسی، به ترتیب کتاب *وافی، وسایل الشیعه* و *بحار الانوار* را تألیف کردند.

با ظهور اخباریان امر اجتهاد مدتی دچار ضعف شد. اخباریان معتقد بودند که در مسائل شرعی، عقل راهی ندارد و مسائل شرعی باید از طریق شرعی یعنی قرآن، اخبار و اجماع حاصل شود. ظاهر قرآن را نیز حجت نمی‌دانستند؛ مگر اینکه روایات آن را تفسیر کرده باشند. اما اصولیین معتقد بودند که علاوه بر قرآن و اجماع، دلیل عقل نیز در استنباط احکام شرعی، می‌تواند مؤثر و مفید باشد.^۱ سپس با آمدن وحید بهبهانی و بعد از وی شیخ انصاری، عصر جدید استنباط و اجتهاد آغاز شد.

۱. ابوالحسن محمدی، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۲۱.

شیخ انصاری با تلاش های فراوان، علم و اصول فقه و به طور کلی اجتهاد را از لحاظ علمی و فنی به بالاترین مرحله خود رساند.

دکتر گرجی معتقد است: تحول عظیم فقه و اصول از زمان شیخ انصاری به بعد آغاز شده و صلاحیت دارد این بزرگ را سرسلسله عظیم ترین دوره ادوار فقه شیعه قرار دهد که با مقایسه کتاب هایی مثل *فصول، قوانین، رسائل و کفایه در علم اصول فقه، ریاض، حدائق، جواهر الکلام، مکاسب، مصباح الفقیه در علم فقه* این حقیقت به خوبی آشکار می شود.^۱ از معاصران شیخ انصاری، شیخ محمدحسن اصفهانی، از مراجع گران قدر و صاحب *جواهر الکلام* است. وی بزرگ ترین موسوعه فقهی شیعه را نوشته و کتاب او از مهم ترین مآخذ و منابع فقه است.

همچنین فقهای بسیار دیگری درباره فقه و اصول تلاش کرده اند و از زمان شیخ مفید تا امام خمینی وجود داشته اند که در این تحقیق از ذکر نام آنها خودداری شده است. با ظهور مشروطیت و نظریات عمده علامه نائینی در امر قانون گذاری، به اجمال به برخی از دیدگاه های ایشان اشاره می شود.

پیشرفت علم اصول و مبانی نظری فقه از قرن سیزدهم هجری شروع شده و با ظهور مجتهدانی مانند میرزای قمی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و ... و در نهایت علامه نائینی، به اوج رسید.

علامه نائینی از بزرگ ترین نظریه پردازان قانون گذاری به سبک جدید و مبتنی بر اندیشه دینی است. وی در سال ۱۲۷۷ (هجری قمری) در نائین متولد شد و پس از تحصیل مقدماتی در نائین و اصفهان به عراق رفت و در سامره نزد میرزای شیرازی و سیداسماعیل صدر و سیدمحمد اصفهانی به شاگردی پرداخت و از اندیشه های میرزای شیرازی و مبارزات سیدجمال الدین اسدآبادی و بازتاب های قیام تنباکو تأثیر پذیرفت و در نجف از

۱. ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقها، ص ۲۳۵.

جمله دانشجویان ویژه ملامحمد کاظم خراسانی (مرجع تقلید وقت) بود.^۱ سپس وی به مجتهدی بزرگ، فقیه و اصولی توانمند تبدیل شد که بیشتر مراجع بعدی نجف و قم از شاگردان او بوده یا از تحقیقاتش بهره برده‌اند.

علاوه بر این نائینی با اتکا به فقه و اصول، از مشروطه پارلمانی منطبق بر موازین و قوانین اسلام تصویر جدیدی ترسیم کرد و حکومت مطلوب وی در دوره غیبت امام زمان (عج)، حکومت فقها بوده است.^۲

وی معتقد بود مفاهیمی که امروزه بشر، در مجلس شورا، قانون اساسی و ... به آنها دست یافته؛ در شریعت نیز وجود دارد و اگر تاکنون علما در این مورد بحث نکرده‌اند، از غفلت آنان بوده است. وی می‌گوید:

«جای بسی تعجب است که علمای ما از جهت قدرت فکر از یک جمله کوچک که از معصوم (ع) صادر شده آن همه قواعد بیرون می‌آورند ولی از این اصول و مبانی اساسی غفلت نموده‌اند».^۳

علامه نائینی در تئوری خویش درباره حکومت مشروطه و دفاع از نظام پارلمانی، تلاش کرد تا اصول و مبانی مردم‌سالاری را با قرآن و حدیث آشتی دهد. از جمله این اصول و مردم‌سالاری پارلمانی عبارتند از:

۱. نفی استبداد،

۲. محدود ساختن قدرت حاکم،

۳. آزادی و برابری،

۴. احترام به حقوق عمومی،

۱. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۵۳-۱۵۵.

۲. سیدامیرمسعود شهرام‌نیا، پارلمانتاریسم در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۵.

۳. شیخ محمدحسن نائینی، تنبیه الامة و تنزیه المله، با مقدمه و حواشی سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۷،

۵. اصل تفکیک قوا،

۶. حاکمیت قانون اساسی،

۷. تأسیس پارلمان.^۱

از دیدگاه علامه نائینی برای موفقیت رژیم مشروطه دو کار مهم باید انجام شود: «(۱) نوشتن قانون اساسی، (۲) پایه گذاری مجلس شورا که در آن نمایندگان مردم گردهم آیند و این نمایندگان باید از عقلا و دانایان مملکت و خیرخواهان ملت باشند ... به حقوق مشترک بین الملل هم خیبر و به وظایف و مقتضیات سیاسی عصر هم آگاه باشند ...»^۲.
علامه نائینی وظیفه اصلی «مجلس شورا» را چنین برمی شمارد:

الف) وظیفه نظارتی: نمایندگان مجلس موظف به نظارت بر حسن اجرای امور به وسیله مسئولان اجرایی هستند.

ب) وظیفه قانون گذاری (وی در ادامه به تبیین دینی مجلس و اثبات مشروعیت قانون گذاری بشری از دیدگاه اصول اسلامی پرداخته است).^۳

وی با تأکید بر انتخاب اصلح در انتخابات مجلس، آن را اولین وظیفه دین داری و وطن خواهی ایرانیان می داند و توصیه می کند که در انتخابات نمایندگان، اغراض شخصیه و پیوندهای خویشی و دوستی را کنار گذاشته و افراد برتر را انتخاب کرده که در صورت انتخاب نادرست، مسئولیت تمام مردم بر عهده آن هاست.

علامه نائینی برای رفع شبهه مشروعیت مجلس و مراقبت در عدم تغایر مصوبات با قوانین اسلام، پیشنهاد عضویت هیئت مجتهدین را طرح می کند.

ایشان همچنین به بیان تفکیک قوانین شرعی و عرفی، دلایل لزوم تأسیس پارلمان، شرایط نمایندگان، تفکیک احکام اولیه و ثانویه و ... می پردازد.

۱. شهرام نیا، همان، ص ۲۵۹-۲۶۹.

۲. حائری، همان، ص ۲۶۶.

۳. شهرام نیا، همان، ص ۲۷۰.

د) قانون‌گذاری از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) نخستین فقیهی بود که نظام مبتنی بر ولایت فقیه را در ایران برپا ساخت و زوایای مختلف اسلامی آن را بیان کرد.

امام با نوشتن کتبی مانند *کشف‌الاسرار*، *الرسائل*، *تحریرالوسلیه*، *کتاب‌البیع*، ولایت فقیه، پیام‌ها و سخنرانی‌های خود، ضرورت وجود قانون و حکومت را در جامعه بشری به اثبات رساند.

عنوان کلی و اولیه‌ای که امام خمینی (ره) درباره حکومت مورد نظرشان به کار می‌برد؛ حکومت اسلامی است و منظور ایشان از اسلامی بودن حکومت این است که بر موازین و قوانین الهی و دینی اسلام بنا شده و قوانین و ضوابط آن را از شرع مقدس گرفته باشند.^۱

امام خمینی (ره) درباره قوانین اسلام در *کشف‌الاسرار* می‌نویسد:

«... ما پس از این ذکر می‌کنیم با دلیل روشن که قانون اسلام در طرز تشکیل حکومت و وضع قانون مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آنچه مربوط به نظام مملکت است از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات، هیچ چیز را فروگذار نکرده است».^۲

ایشان در کتاب *ولایت فقیه* با ذکر حدیث الفقها ائمه الرسل می‌فرمایند: منظور این نیست که فقها در مسئله گفتن امین باشند. «درحقیقت مهم‌ترین وظایف انبیاء برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد».^۳

امام خمینی (ره) در بحث حکومت قانون می‌گویند:

«چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر دین‌شناسان، یعنی فقها باید متصدی آن باشند، ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه‌ریزی

۱. یحیی فوزی، *اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

۲. امام خمینی، *کشف‌الاسرار*، ص ۱۸۴.

۳. امام خمینی (ره)، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ص ۷۰.

کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند؛ در اخذ مالیات، حفظ مرزها، اجرای حدود امین‌اند. نباید بگذارند قوانین اسلام معطل بماند یا در اجرای آن کم و زیاد شود ... حاکم در حقیقت قانون است، همه در امان قانونند، در پناه قانون اسلامند.^۱

درباره قانون گذاری ادوار اخیر، فقط به دو تحول فقه و قانون گذاری در دولت عثمانی و سپس ایران به اجمال اشاره می‌کنیم. گفتنی است بحث در مورد هریک از این دو کشور به مقاله‌ای جداگانه نیاز دارد.

۵ قانون گذاری فقهی در دولت عثمانی

یکی از رویدادهای مهم در قانون گذاری و فقه اهل تسنن، تدوین «مجله الاحکام العدلیه» در سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۳ قمری در کشور عثمانی بود که این اولین قانون مدنی مدون رسمی و مدار قضاوت در کشورهای اسلامی از جمله ترکیه، لبنان، سوریه، فلسطین، اردن، عراق، پاکستان، افغانستان، تونس و ... است.^۲

البته قوانین المجله، بعدها در ترکیه و به تدریج در لبنان و سوریه به استثنای بعضی از مواد که همچنان به قوت خود باقی است، ملغی شد.

المجله شامل ۱۸۵۱ ماده است که به یک مقدمه ۱۰۰ ماده‌ای و ۱۶ کتاب تقسیم می‌شود. این کتاب در مدارس و دانشگاه‌های حقوق تدریس می‌شد و تاکنون فقها و حقوق دانان بر آن چندین شرح نوشته‌اند. از فقهای امامیه هم علامه فقید شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء، شرح و تحریری بر آن نوشته است.

ایشان در مقدمه *تحریرالمجله* می‌نویسد: *المجله با حسن ترتیب و اسلوبی که تدوین شده شایسته آن است که آن را فقه قانونی یا قانون فقه نامید.* این کتاب را از دو جهت شایسته تنقیح و تحریر یافتیم، یکی شرح و تعلیق بر آن، دیگر بیان موارد اختلاف بین فقه شیعه با فقه حنفی.^۳

۱. همان، ص ۷۲-۷۳.

۲. محمصانی صبحی، *قوانین فقه اسلامی*، ترجمه جمال‌الدین جمالی، تهران، ۱۳۵۸.

۳. همان، ص ۳۸-۳۹.

۶ قانون‌گذاری در دوره مشروطه

انقلاب مشروطیت درحقیقت سرآغاز قانون‌گذاری به سبک جدید در ایران محسوب می‌شود. قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی در ۱۵ اصل به تصویب رسید و به دلیل تدوین شتاب‌زده آن، فاقد بسیاری از اصول مهم و اساسی بود. ازاین‌رو با گذشت یک سال، متمم قانون اساسی با ۱۰۷ اصل تدوین و در سال ۱۲۸۶ شمسی به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. در اصل دوم تأکید شده بود که هیچ‌یک از مصوبات مجلس شورای ملی نباید با احکام شرع مغایر باشد؛ بنابراین این اصل که بعدها به «اصل طراز» یا «طراز اول علما» شهرت یافت؛ فقط در مجلس دوره دوم اجرا شد.

با شروع روند قانون‌گذاری در کشور، متجددین مجلس از احکام و مقررات شرعی فاصله گرفتند و به سمت قوانین عرفی حقوقی بیگانه رفتند.

کاتوزیان در این باره می‌گوید:

«با شروع فعالیت مجلس قانون‌گذاری، جدایی حقوق و مذهب نیز آغاز شد. شرکت روحانیون در مجلس و بازرسی اعمال نمایندگان تحقق نیافت و رفته رفته اصل دوم متمم قانون اساسی به صورت اصلی متروک درآمد... مجلس با تظاهر به دینداری و احترام به نظر روحانیون، قوانینی را تصویب کرد که به کلی با اصول اسلامی مغایرت داشت. مثلاً قانون مجازات عمومی، مبنای کیفری را به صورتی که در محاکم شرع اجرا می‌شد؛ دگرگون ساخت»^۱.

اما درباره قانون‌گذاری فقهی قانون مدنی ایران باید گفت که این قانون در دوره ششم (۱۳۰۷ شمسی) و در دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای ملی (۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ شمسی) به تصویب رسید.

علی پاشا صالح در بحث نگارش نخستین قانون مدنی ایران چنین می‌نویسد:

«در دهم دی ماه ۱۳۰۶ شمسی کمیسیونی مرکب از مطلعین و اهل علم در وزارت

۱. ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق، نظریه عمومی، تهران، انتشار ۱۳۷۹، ص ۲۰۴-۲۰۵.

دادگستری تشکیل گردید. قبلاً نیز در سال‌های متمادی هیئت‌های دیگری به همین منظور گردهم آمده و پس از چندی پراکنده شدند تا اینکه در تاریخ هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ شمسی برای تدارک مقدمات الغای کاپیتولاسیون، جلد اول قانون مدنی مشتمل بر ۹۵۵ ماده به صورت ماده واحده‌ای از مجلس گذشت. پس از تصویب جلد اول، جلد دوم و سوم در ۳۸۰ ماده از ششم بهمن ۱۳۱۳ تا هشتم آبان ۱۳۱۴ شمسی به تصویب مجلس رسید. مأخذ قانون مدنی به شکل مذکور بیشتر فقه اسلام است و دانشمندانی که عهده‌دار در این امور بودند، از منابع مهم عربی مانند شرح لمعه شهیدین و شرایع محقق و مکاسب شیخ مرتضی انصاری (قدس سره) استفاده نمودند؛ اقوال مشهور فقها را به زبان فارسی درآوردند و مبوب ساختند. از نویسندگان قانون مدنی، آنها که به زبان فرانسه آشنایی داشتند، برای موضوعات تازه حقوق به قوانین مدنی فرانسه و بلژیک و به خصوص سوئیس مراجعه می‌نموده‌اند.^۱

اکنون با گذشت هشتاد سال از تدوین اولین قانون مدنی در ایران — که فقها و حقوق دانان با احاطه کامل، قوانین فقه شیعه را درباره اموال، عقود، ایقاعات، معاملات، احوال شخصیه، ادله اثبات دعوا و ... به صورت مواد قانونی درآوردند — می‌توان گفت قانون مدنی ایران هنوز کارآمد و پویاست و این امر نشان‌دهنده برخی از توانمندی‌های فقه شیعه در امر قانون گذاری است.

۷ قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فقه شیعه به عنوان اصلی ترین منبع قانون گذاری مطرح و ایران پایه گذار طرح جدیدی در این عرصه شد و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین دستاورد انقلاب در اصل چهارم مقرر داشت: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد».

۱. صالح علی پاشا، سرگذشت قانون، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۶۹-۲۷۰.

از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وسیله چندین فقیه تدوین شده و به ویژه فقیه و مرجع تقلید عصر، حضرت امام خمینی (ره) بر آن صحنه گذارده‌اند، در حقیقت متقن‌ترین طرح نظام سیاسی از دیدگاه اسلام است و اساسی‌ترین مسائل جامعه، یعنی حکومت و دولت، تشکیلات سیاسی و نهادهای اساسی، دستگاه قانون‌گذاری تشکیلات اداری و اجرایی و سازمان قضایی، مسائل مربوط به حقوق و آزادی‌های مردم و ... در قانون اساسی بیان شده است.^۱

۱-۷ مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با صدور فرمان رفراندوم از سوی رهبر انقلاب اسلامی، مردم ایران با استقبال بی‌سابقه‌ای در رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ شرکت کردند و با بیش از ۹۸ درصد کل آرای ملت، نظام حکومت کشور به‌عنوان جمهوری اسلامی ایران رسمیت یافت. بی‌شک برای دستیابی به حکومت اسلامی، ابتدا باید قانون اساسی کشور — که مبین چارچوب‌های اساسی و قانونی جمهوری اسلامی است — تدوین و تصویب شود. در این راستا قانون اساسی در چند مرحله مورد بررسی، تحلیل و تجدیدنظر مردم قرار گرفت و در این مراحل به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از مردم نظرخواهی شد. این مراحل عبارتند از:

۱. عرضه به افکار عمومی، ۲. کمیسیون‌های تخصصی خبرگان، ۳. بررسی در جلسه عمومی خبرگان، ۴. مرحله رسیدگی نهایی، ۵. تصویب نهایی مجلس خبرگان، ۶. همه‌پرسی در قانون اساسی.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. عباسعلی عمیدزنجانی، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷-۲۸.

۲. عباسعلی عمیدزنجانی، *مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، جهاددانشگاهی، ۱۳۶۷، صص ۸۴-۹۱

هم چنین ر. ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، آیین‌نامه مجلس خبرگان درباره قانون اساسی (مجموعه اسناد و مدارک)، نشریه دبیرخانه مجلس خبرگان و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

نتیجه گیری

فقه های اسلامی فقه را به امور اخروی و دنیوی مربوط دانسته اند؛ هر چند که برخی از اندیشمندان، نقش عمده و مؤثر فقه را در امور دنیوی منکر هستند؛ اما امروزه تقسیمات جدید و طرح آنها در فقه و ورود اصطلاحاتی مانند فقه سیاسی، قضایی، اقتصادی، خانواده و ... در کتب و مقالات، نشانگر رشد و پیچیدگی مسائل مختلف فقهی و بیانگر عمومیت و گسترده گی این علم از نظر فقهاست.

بنابراین در این تحقیق پس از بیان پیشینه و تحولات قانون گذاری فقهی از دیدگاه اهل تسنن و تشیع، به بررسی ادوار قانون گذاری فقهی پرداخته و از آنجا که بیان سیر تاریخی هر دوره به صورت جداگانه در این تحقیق نمی گنجد؛ سیر تاریخی اندیشه قانون گذاری فقهی را از زمان شیخ مفید - که در حقیقت آغازگر عصر اجتهاد بودند - آغاز و به ترتیب اهمیت، فقه های عمده و مطرح را در ادوار بعدی - که دغدغه و اندیشه قانون گذاری داشتند - بیان کردیم. هر چند در این باره فقه های بسیاری بودند که به علت پرهیز از اطاله سخن نتوانستیم به آنان بپردازیم.

با وجود این از قانون گذاری در دولت عثمانی و قانون مدنی ایران - که در حقیقت بیشتر برگرفته از اندیشه فقیهان است - و از فقه های معاصر از جمله علامه نائینی و امام خمینی (ره) - که در امر قانون گذاری دغدغه و اندیشه قانون گذاری داشتند - مطالبی هر چند مختصر بیان شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به فقه اسلامی فرصتی داده شد تا بتواند نقش گذشته خود را در جامعه و حکومت ایفا کند. همان طور که در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد». از این رو این اصل و اصول دیگر، فقها و قانون گذاران را وادار می سازد تا در مقابله با چالش های مختلف و پرسش های جدید در امر قانون گذاری، براساس فقه و شریعت اسلامی چاره اندیشی کنند.

بنابراین مطالعه تاریخ تحولات و روند قانون‌گذاری در اسلام، برای کسانی که در امر قانون‌گذاری هستند؛ بی‌فایده نیست؛ به‌خصوص اگر با مطالعه و بررسی تحولات زمان و مکان، بتوان منشأ پیدایش احکام و قوانین فقهی را به‌دست آورد که این احکام و قوانین فقهی بر چه مبنای اساسی بوده است. برای مثال چه چیز سبب پیدایش احکام بیع، اجاره، وصیت، قصاص، دیات و... شده است؟ این‌گونه بحث‌ها، یعنی بیان تحولات فقه، علل تشریح قوانین اسلامی، شأن نزول آیات احکام، بررسی سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) حد وسطی است که باید در تاریخ فقه و فلسفه تاریخ فقه بررسی شود.

در این راستا ابتدا پیشینه تحولات قانون‌گذاری فقهی بیان شد تا سرنخ‌های مناسبی برای دانشجویان، محققان و قانون‌گذاران جامعه اسلامی در موضوع تقنین فقهی قرار گیرد.



منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن منظور، لسان العرب. دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۱، ۱۴۱۶ هجری قمری.
- ادیانی، سیدیونس. «سیمای حکومت نبوی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش مسلسل ۷۵۲۳، بهمن ۱۳۸۵.
- امام خمینی (ره). البیع، قم، اسماعیلیان، ج ۲، ۱۳۶۳.
- امام خمینی (ره). صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- امام خمینی (ره). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
- امام خمینی، کشف الاسرار.
- برجی، یعقوبعلی. ولایت فقیه در اندیشه فقیهان، تهران، دانشگاه، امام صادق (ع) و سمت، ۱۳۸۵.
- بلاغی، صدرالدین. عدالت و قضاء در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مکتب‌های حقوقی در اسلام، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰.
- جعفر، علی محمد. تاریخ القانون و الفقه الاسلامی، بیروت، المؤسسة الجامیه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۶ ق.
- حائری، عبدالهادی. تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، اقبال.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۶۸.
- راسخ، محمد. بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴.
- سیوطی جلال‌الدین، عبدالرحمن ابی‌بکر. الاتقان فی علوم القرآن.
- شهابی، محمود. ادوار فقه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- شهرام‌نیا، سیدامیرمسعود. پارلمانتاریسم در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
- شیخ مفید. المقنعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی ۱۴۱۰ قمری.

- صدر، محمدباقر. *الفتاوی الواضحه*، نجف، مطبعة الآداب، ۱۴۱۲ قمری.
- طباطبائی، سید محمدحسین. *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی، ۱۳۶۵.
- طریحی، فخرالدین. *مجمع البحرین*، مرتضوی، ج ۴، ۱۳۸۶ قمری.
- عالیه، سمیر. *علم القانون و الفقه الاسلامی*، بیروت، مؤسسه الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ قمری.
- علمی، رضا. *کلیات حقوق*، تهران، میهن، ۱۳۴۸.
- علی پاشا، صالح. *سرگذشت قانون*، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- عمیدزنجانی، عباسعلی. *فقه سیاسی*، تهران، امیر کبیر، ج ۱، ۱۳۷۷.
- عمیدزنجانی، عباسعلی. *مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- فوزی، یحیی. *اندیشه‌های سیاسی امام خمینی*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر. *کلیات حقوق، نظریه‌های عمومی*، تهران، انتشار، ۱۳۷۹.
- گر جی، ابوالقاسم. *تاریخ فقه و فقهها*، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- گر جی، ابوالقاسم. «*اوضاع کنونی و راهبردها*»، *مجله دانشگاه انقلاب*، شماره ۱۰۵، ۱۳۷۴.
- گر جی، ابوالقاسم. *مقالات حقوقی*، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۶۹.
- محمدی، ابوالحسن. *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- محمصانی، صبحی. *فلسفه قانون‌گذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸.
- محمصانی، صبحی. *قوانین فقه اسلامی*، ترجمه جمال‌الدین جمالی، تهران، ۱۳۵۸.
- مدیرشانه‌چی، کاظم. *تاریخ حدیث*، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- مدیرشانه‌چی، کاظم. *آیات الاحکام*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- نائینی، شیخ محمدحسن. *تنبیہ الامه و تنزیه المله*، با مقدمه و حواشی سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۷، چاپ ۹، ۱۳۷۸.